

عملکرد ضعیف وزارت صمت در تحقق اهداف برنامه هفتم

در حالی که طبق برنامه هفتم توسعه، رشد ۸ درصدی بخش صنعت هدفگذاری شده بود، آمارهای رسمی از تحقق تنها ۲/۳ درصد رشد در این بخش حکایت دارد؛ موضوعی که به گفته اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس، نشان‌دهنده فاصله چشمگیر میان اهداف توسعه‌ای و عملکرد واقعی وزارت صنعت، معدن و تجارت است. نمایندگان مجلس می‌گویند ضعف در سیاستگذاری، ناهماهنگی میان نهادهای اقتصادی و بی‌توجهی به تأمین انرژی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، علت اصلی عقب‌ماندگی صنعت کشور است.

■■■

کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی روز یک‌شنبه، سیزدهم مهرماه، میزبان نشست با حضور معاون برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت، مسئولان سازمان برنامه و بودجه، نمایندگان اتاق بازرگانی و کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس بود، نشستیی که به بررسی عملکرد وزارت صمت در اجرای احکام برنامه هفتم توسعه اختصاص داشت.

بر اساس گزارش‌های ارائه شده، رشد تولید صنعتی در سال جاری تنها ۲/۳ درصد بوده است، در حالی که طبق برنامه هفتم توسعه باید به رشد ۸ درصدی می‌رسیدیم. این اختلاف معنادار نشان‌دهنده وجود چالش‌های جدی در مسیر تحقق اهداف توسعه‌ای کشور است.

مهم‌ترین محورهای جلسه کمیسیون، بررسی وضعیت انرژی صنایع، تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و نحوه اجرای بسته حمایت از صنایع بود؛ بستهای که وزارت صمت از آن به عنوان یکی از ابزارهای بازسازی و تقویت تولید در دوران پساجنگ اقتصادی یاد می‌کرد، اما بنا بر گزارش نمایندگان هنوز به‌درستی اجرایی نشده است.

■ **فاصله آماری و واقعیت میدانی**

کارشناسان اقتصادی معتقدند ارقام اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی تنها بخش کوچکی از واقعیت‌را نشان می‌دهد. در بسیاری از صنایع پایه، از جمله فولاد، سیمان، خودرو و لوازم خانگی، رشد تولید نه‌تنها متوقف شده بلکه برخی واحدها در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند. کاهش دسترسی به منابع انرژی، افزایش هزینه مواد اولیه و محدودیت‌های صادراتی، سه عامل اصلی رکود در بخش صنعت عنوان می‌شود. در شرایطی که بسیاری از کشورهای منطقه با رشد دو رقیمی در بخش صنعت مواجهند، تداوم رشد ۲ تا ۳ درصدی به معنای از دست رفتن سهم بازار داخلی و خارجی است. در سال گذشته حدود ۲۵ میلیارد دلار صادرات صنعتی داشتیم، اما بخش عمده آن مربوط به کالاهای با ارزش افزوده پایین بوده و هدفگذاری برنامه هفتم برای ارتقای فناوری و افزایش بهره‌وری عملاً محقق نشده است.

■ **نقش سیاست‌های انرژی و سرمایه در گردش**

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که در جلسه کمیسیون مطرح شد، موضوع انرژی و تأمین برق و گاز صنایع بود. در ماه‌های سرد سال، بسیاری از واحدهای صنعتی با قطعی گاز یا کاهش سهمیه انرژی مواجهند. این مسئله مستقیماً بر هزینه تولید و بهره‌وری تأثیر می‌گذارد. نمی‌توان انتظار رشد داشت وقتی کارخانه‌ها در نیمه زمستان تعطیل می‌شوند.

از سوی دیگر، مشکل سرمایه در گردش نیز جایگزین بسیاری از تولیدکنندگان است. طبق گزارش بانک مرکزی، سهم تسهیلات سرمایه در گردش از کل تسهیلات بانکی در سال گذشته حدود ۶۵ درصد بوده، اما بخش عمده آن به بنگاه‌های بزرگ اختصاص یافته و صنایع کوچک و متوسط همچنان در تأمین نقدینگی دچار بحران‌اند. کارشناسان می‌گویند نظام بانکی در تأمین مالی تولید مسیر درستی را طی نمی‌کند و باید سازو کارهای تازه‌ای برای حمایت از واحدهای فعال و دارای ظرفیت ایجاد شود.



■ **وزارت صمت و وعده‌های نیمه تمام**

وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال گذشته طرحی تحت عنوان «بسته حمایت از صنایع در دوران پساجنگ اقتصادی» تدوین کرده بود که هدف آن رفع موانع تولید، حمایت از صادرات و بهبود بهره‌وری عنوان شد، اما بنا به گفته نمایندگان حاضر در جلسه کمیسیون، این بسته نه به‌طور کامل تصویب و نه به‌درستی اجرا شده است. مسئولان وزارت اقتصاد اعلام کردند بسیاری از بندهای این بسته در مرحله اجرا با مشکل بوده و هماهنگی دستگاهی روبه‌رو شده است. این نشان می‌دهد وزارتخانه در سیاستگذاری صنعتی، نگاه جامع و هماهنگ ندارد و تصمیمات آن به‌صورت جزیره‌ای اتخاذ می‌شود.

برای رسیدن به رشد ۸ درصدی در بخش صنعت باید هم‌زمان سه محور یعنی انرژی، بازار، سرمایه در گردش و بازار صادراتی تقویت شود. بدون تأمین این سه مؤلفه، هیچ برنامه‌ای اگر روی کاغذ عالی باشد به نتیجه نخواهد رسید.

■ **ضرورت بازطراحی ساختار صنعتی**

در حاشیه جلسه، کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس نیز گزارش خود را درباره عملکرد وزارت صمت ارائه کردند. در این گزارش آمده است سیاست‌های صنعتی کشور بیش از حد متمرکز بر صدور مجوز و تنظیم بازار داخلی بوده و کمتر بر توسعه فناوری، بهره‌وری و ارتقای کیفیت تمرکز داشته است.

بر اساس این گزارش، ضعف در نظام آمار و اطلاعات صنعتی نیز یکی از مشکلات اصلی سیاستگذاری است. نبود داده‌های دقیق از وضعیت واقعی تولید باعث می‌شود تصمیم‌گیران نتوانند برنامه‌های مؤثری برای حمایت از بخش‌های مولد اتخاذ کنند.

تا زمانی که ساختار وزارت صمت به‌صورت بنیادی اصلاح نشود، تغییر وزیر یا تدوین بسته‌های جدید تأثیر چندانی نخواهد داشت. نیاز به یک بازنگری اساسی در سیاست صنعتی کشور داریم؛ از نحوه صدور مجوز تا شیوه تعامل با بخش خصوصی.

نشست کمیسیون صنایع و معادن مجلس در حالی پایان یافت که نمایندگان بر ضرورت پیگیری اجرای دقیق احکام برنامه هفتم تأکید کردند. قرار است گزارش تفصیلی این نشست به هیئت‌رئیس‌ه مجلس ارائه شود تا در دستور کار بررسی مجدد در صحن علنی قرار گیرد.

به نظر می‌رسد کاهش رشد تولید صنعتی تنها یک شاخص اقتصادی نیست بلکه نشانه‌ای از ضعف ساختاری در نظام سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای است. در شرایطی که کشور نیازمند جهش تولید و رونق اشتغال است، بی‌توجهی به الزامات رشد صنعتی می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای اقتصاد ملی به همراه داشته باشد. این وزارت صمت نتواند در ماه‌های آینده با اصلاح سیاست‌ها، تسهیل سرمایه‌گذاری و رونق موانع تولید، روند فعلی را تغییر دهد، فاصله میان اهداف برنامه هفتم و واقعیت میدانی هر روز بیشتر خواهد شد.

ارزش پول ملی طی ۱۵ سال گذشته سفر پرافتنی را تجربه کرده و حالا با توجه به کاهش قدرت ریال در برابر دلار که در هفته‌های اخیر تشدید شده است، حساسیت‌ها بر این مسئله که بانک مرکزی و نهادهای متولسی، تقویت ارزش ملی را باید بیش از هر سیاست دیگری در اولویت قرار دهند افزایش یافته است. در چنین شرایطی تصویب حذف چهار صفر از پول ملی در صحن مجلس بیش از آنکه اثری جدی بر اقتصاد داشته باشد بیشتر اثر ساده‌سازی در محاسبات دارد و پر سرشش مهمی را پیش روی جامعه و سیاستگذاران قرار داده است.

■■■

کاهش مداوم قدرت ریال در برابر دلار، بار دیگر ضرورت تمرکز بر سیاست‌های تقویت ارزش واقعی پول ملی را در صدر مطالبات اقتصادی قرار داده است. با این حال در شرایطی که اقتصاد کشور نیازمند تصمیم‌های بنیادی در حوزه ثبات پولی و کنترل تورم است، تصویب حذف چهار صفر از پول ملی در صحن علنی مجلس بحث‌های تازه‌ای را در میان کارشناسان و افکار عمومی اجرایی نشده است.

مجلس شورای اسلامی روز یک‌شنبه پس از سال‌ها بحث و بررسی، حذف چهار صفر از پول ملی را به تصویب رساند. با تصویب نهایی لایحه حذف چهار صفر از پول ملی، واحد رسمی کشور «تومان» و واحد خردتر «قران» تعیین شد. حذف اساس بانک مرکزی دو سال فرصت دارد تر تیبات اجرای این کار را فراهم کند و سه سال هم واحد پولی فعلی یا به عبارتی اسکناس‌های فعلی و هم اسکناس‌های جدید هم‌زمان با یکدیگر کار می‌کنند.

طبق قانون اصلاح نظام پولی، هر «ریال جدید» ۱۰ هزار ریال قدیم خواهد بود. این به آن معناست که واحدهای پولی با ارزش پایین مانند اسکناس‌های هزار، ۵هزار، ۱۰ هزار و ۵۰ هزار ریالی قدیم، از چرخه پولی حذف شده و با واحدهای جدید جایگزین خواهند شد. به عنوان مثال، یک میلیون ریال قدیم، معادل ۱۰۰ ریال جدید خواهد بود.

با توجه به حذف چهار صفر، نسیاز به تعریف یک واحد پول خرد نیز احساس می‌شد. در این مصوبه، واحد پول خرد «قران» تعیین شده است. هر ریال جدید برابر با ۱۰۰ قران خواهد بود.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند این اقدام پیش از آنکه تأثیری واقعی بر متغیرهای اقتصادی داشته باشد، نقشی نمادین و محاسباتی دارد و صرفاً موجب ساده‌سازی در مبادلات و حسابداری می‌شود. در مقابل، منتقدان هشدار می‌دهند

۱۲ گزارش یک

سعیده زمانی

حذف ۴ صفر صرفاً با اقدامات اصلاحی اقتصادی گسترده می‌تواند در کنترل تورم مؤثر واقع شود

اصلاح چهره ریال



جدید بانکداری مرکزی تطبیق یافته است. ■ **مزایا و چالش‌های این اقدام از دیدگاه کارشناسان**

کارشناسان معتقدند حذف چهار صفر از پول ملی، ضمن ساده‌تر کردن محاسبات و مبادلات روزمره و کاهش خطاهای حسابداری می‌تواند

کاهش دهد و صرفه‌جویی قابل توجهی برای بانک مرکزی ایجاد کند.

اگرچه این اقدام به‌تنهایی تورم را کاهش نمی‌دهد، اما از نظر روانی می‌تواند اعتماد مردم و فعالان اقتصادی به ثبات پول ملی را تقویت کند و اقتصاد کشور را در مسیر همگام شدن با استانداردهای جهانی نظام پولی قرار دهد.

وی تأکید کرد: هدف اصلی این اصلاح، کارآمد کردن اسکناس ریال در مبادلات روزمره، ساده‌سازی محاسبات مالی و ارتقای جایگاه بین‌المللی پول ایران است. حسینی افزود: این اقدام تأثیری مستقیم بر تورم ندارد اما به دلیل تورم‌های پیاپی اخیر، اصلاح واحد پول ملی از نظر اقتصادی و فنی ضروری است.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: در مصوبه کنونی، واحد پول «ریال» حفظ شده است و جزء پول «قران» نیز ابقا شده و لایحه با قوانین

کوتاهمدت باعث سردرگمی و عدم اطمینان مردم و فعالان اقتصادی شود و نیازمند دوره گذار و آموزش برای درک ارزش واقعی پول است.

■ **ترمیم پرستیژ پول ملی با حذف صفرها**
حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه مذکور در صحن علنی مجلس گفت: دوستان در اظهارات خود اذعان کردند حذف چهار صفر از پول ملی می‌تواند موجب بالا رفتن پرستیژ پول ملی شود که باید تأکید کنم اگر قرار است چهار صفر پرستیژ پول ملی را ارتقا دهد، آیا بهتر نبود ما پنج صفر را کم می‌کردیم تا بدین نحو پرستیژ آن بالاتر رود یا واقع باید تأکید کنم این موضوع اقتصادی پرستیژ نیست و اولویت حال حاضر کشور تقویت ارزش پول ملی است.

وی ۲۰ مرادماه نیز با اشاره به تصویب نهایی لایحه حذف چهار صفر از پول ملی گفت: بانک مرکزی سه دلیل برای این طرح مطرح کرده است؛ بازگرداندن حیثیت پول ملی، کاهش هزینه چاپ اسکناس و تسهیل مبادلات. وی هر سه استدلال را رد کرد و تأکید داشت حذف صفرها بر رشد اقتصادی یا تورم اثر واقعی ندارد، هزینه چاپ چندان کم نمی‌شود و با گسترش پرداخت‌های الکترونیکی، تأثیر ملموسی بر مبادلات نقدی

بازگشت نابرابر گردشگری داخلی

گرانی دامان گردشگری را هم گرفت

گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس از تحولات ۱۴ ساله سفرهای بهاری نشان می‌دهد با وجود افزایش سفرها پس از کرونا، هزینه‌محور شدن گردشگری

اقت حمل‌ونقل عمومی و تمرکز سفرها بر چند استان، چشم‌انداز گردشگری نیازمند بازنگری جدی است



در فهرست ۱۰ مقصد برتر قرار گرفته‌اند. این جابه‌جایی‌ها نشانه‌ای از رشد علاقه به گردشگری فرهنگی و تاریخی است.

از سوی دیگر، افزایش سهم سفرهای درمانی از ۸/۹ درصد در ۱۳۹۸ به بیش از ۱۱ درصد در ۱۴۰۳ نشان می‌دهد سلامت به یکی از دلایل مهم جابه‌جایی خانوارها بدل شده است. این روند، اگرچه بیانگر رشد گردشگری سلامت است، اما حمل‌ونقل عمومی دیگر برای بسیاری از مردم «هفرون به‌صرفه» یا حتی «در دسترس» نیست.

ضعف ناوگان اتوبوسرانی، افزایش قیمت بلیت و نبود شبکه ریلی کارآمد، خانوارها را به خودروی شخصی وابسته کرده است. نتیجه، افزایش هزینه سوخت، ازدحام جاده‌ها، فشار بر زیرساخت‌ها و افزایش تصادفات است. این چرخه، به‌جای تسهیل سفر، آن را به چالشی اقتصادی تبدیل کرده است.

اما اجرای سفر فقط در جاده خلاصه نمی‌شود. تغییر مقاصد نیز زبان گویای تحولات اجتماعی و فرهنگی است. در سال ۱۴۰۳، برای نخستین‌بار استان‌هایی چون زنجان، فارس و آذربایجان شرقی

تایع در آمد، قیمت و زیرساخت است. وقتی هزینه جابه‌جایی و اقامت بالا می‌رود، سفر به کالایی لوکس برای طبقه متوسط بدل می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهد استفاده از خودروهای شخصی در سفرهای بهاری از ۶۱/۷ درصد در ۱۳۹۷ به بیش از ۷۰ درصد در ۱۴۰۳ رسیده، در حالی که سهم اتوبوس‌ها از ۹/۲ درصد به تنها ۳/۹۹ درصد سقوط کرده است. این ارقام به زبان ساده یعنی حمل‌ونقل عمومی دیگر برای بسیاری از مردم «هفرون به‌صرفه» یا حتی «در دسترس» نیست. در ظاهر، افزایش تعداد سفرها نشانه‌ای از رونق است، اما در باطن، نوع و کیفیت این سفرها معنای دیگری دارد. خانوارها برای کاستن از هزینه‌ها بیشتر به منازل بستگان روی آورده‌اند. سهم اقامت در خانه‌های اقوام از بیش از ۷۰ درصد به حدود ۶۹ درصد رسیده، اما اقامت در هتل‌ها و مراکز رسمی کاهش یافته است. تنها بخش برنده در این میان، خانه‌های اجاره‌ای است که از ۹ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافته‌اند؛ بازاری بی‌نظم اما پر تقاضا که خود بازتابی از اقتصاد توری کشور است.

در نگاه اقتصادی، سفر هم مانند هر کالای دیگر